



گفت و گو با دکتر پیروز مجتهد زاده

ضعیف باشید کسی برای سازش دنبال شما نمی آید

به آقایان سلام برسانید و بگویید در
سرمایه گذاری اقتصادی آلمان و ژاپن
انرژی هسته ای در راس بود!

هادی محمدی

دکتر پیروز مجتهد زاده از اساتید علوم سیاسی و جغرافیای سیاسی، ۷۰ ساله و اصلًا نوری (مازندران) که به شدت با توسعه صنعت هسته ای کشورمان به عنوان یک عامل قدرت ساز موافق است، منتقدان این نظریه را بی نصیب نگذاشته و تصریح می کند که تردید در قدرت زایی پیشرفت های هسته ای جمهوری اسلامی و نگاه تنها اقتصادی داشتن به آن نشان از بی تدبیری است و چشم بستن بر واقعیات قدرت در جهان کنونی به شمار می رود. در یک روز سرد زمستانی در حالی با او در سعادت آباد تهران به گفتگو نشستیم که تاکید می کرد: سعادت این ملت در افزایش قدرت در ابعاد مختلف و ایجاد بازدارندگی در مقابل دشمنان است. او در این زمینه البته انتقادهای تندی را نیز نثار آنچه روشنفکری سنتی می خواند می کند...

شاخص های قدرت در دنیای امروز ماحه
چیزهایی است که اگر کشوری این شاخص
ها را داشته باشد یک کشور قدرتمند به



حساب می آید؟

ما می دانیم که قدرت حاصل ترکیبی از یک سلسله پدیده های اجتماعی، اقتصادی و نظامی هست و وقتی ما در سطح یک کشور صحبت از قدرت می کنیم معمولاً ترکیبی از عوامل مختلف سخن می گوئیم. منظور من این است که با سنجیدن

یک موضوع و یا یک پدیده قدرتی ما نمی توانیم یک کشور را یک قدرت بدانیم. قطر قدرت مالی بسیار بزرگی است ولی بدون داشتن دیگر پدیده های قدرتی حتی یک "کشور" شناخته نمی شود چه رسد که یک "قدرت" محسوب شود. به گفته دیگر در حوزه اقتصادی کشوری توانمندی بالایی دارد اما یک قدرت محسوب نمی شود و یک کشور هم توانمندی نظامی خوبی دارد اما از نظر اقتصادی ضعیف است و در مجموع یک قدرت به حساب نمی آید. هندوستان تا دو-سه دهه قبل بزرگترین جمعیت دنیای آزاد را داشت ولی قدرت شمرده نمی شد تا آن که از نظر اقتصادی جهش چشمگیری نشان داد و از نظر نظامی مجهز به سلاح هسته ای شد و از نظر تکنولوژی استراتژیک و ژئواستراتژیک جهش نشان داد و در جمع "قدرت" جای گرفت. توسعه قدرت علمی و تکنولوژی هم از شاخص های مهم تشخیص قدرت شمرده می شوند چنان که در بازار رقابت های قدرتی بحث هایی مثل توسعه صنعت هسته ای و تسخیر فضا مطرح هستند مانند هندو حتی ایران که در این عرصه فعالیت می کنند تا به دنیا نشان دهند که به سرعت به طرف تبدیل شدن به قدرت می روند. قدرت در ابعاد سیاسی و ژئوپلیتیکی عبارت است از توان استفاده از ابزار لازم برای پیشبرد برنامه ها و اهداف قدرتی. در خاور میانه مفهوم قدرت تقریباً محدود به نیروی نظامی و مانورهای استراتژیک است.

فناوری و علم در رقابت های قدرتی امروز چه اثری داشته؟
بدون تردید در رقابت های اقتصادی فناوری نقش بسیار مهمی داشته است اما بیشترین محل تاثیر تکنولوژی در رقابت های نظامی بوده است. رقابت های نظامی وقتی به اوج خود رسید که تکنولوژی اتمی به میان آمد و رقابت بین کشورها به این بستگی پیدا کرد که چه کشوری تا چه حد سلاح هسته ای دارد. تکنولوژی هسته ای نقش بزرگی در پیشرفت رقابت های نظامی داشت اما امروز که رقابت اقتصادی جایگزین رقابت های استراتژیک کهن شده است، از نقش تکنولوژی هسته ای در رقابت های ژئوپلیتیکی کاسته نشد. با این تفاوت که در نظام ژئوپلیتیکی پیشین تکنولوژی هسته ای از دید توان تولید سلاح اتمی ارزیابی می شد و در نظام رقابت های کنونی تکنولوژی هسته ای از دید توان تولید انرژی و توسعه اقتصادی ارزیابی می شود. این تغییر در بحث های ژئوپلیتیکی به ویژه در رابطه با مسئله انرژی هسته ای ایران که در دوهه اخیر تبدیل به بزرگترین موضوع درگیری و بحث های مربوط به رقابت های ژئوپلیتیکی جهانی شده است کاملاً خودنمایی دارد.

در همین رابطه است که ما به چشم خود می بینیم هر اندازه ایران تلاش می کند و حتی در عمل ثابت کرده می کند که هیچ برنامه و هدف استراتژیکی در استفاده از صنعت هسته ای خود ندارد، همچنان قدرت های رقیب ایران مسئله و اهمیت ژئواستراتژیکی از توان هسته ای ایران را دنبال می کنند و قدرتی منطقه ای مانند اسرائیل که در ژرفاهای زیادی گرفتار رقابت ژئوپلیتیکی با ایران است از هیچ تلاشی برای ریشه کن کردن قدرت هسته ای ایران خودداری نمی کند. اسرائیل که در نوبتی در گذشته شاهد تعلیق شدن غنی سازی هسته ای ایران به دست خود ایرانیان بود، در شرایط کنونی از همه توان خود برای جلوگیری از توافق ایالات متحده آمریکا و ایران در بحث های پنج به اضافه یک با ایران استفاده می کند. در این شرایط اگر ما می بینیم که در مراحل پایانی مذاکرات یاد شده مجدداً در ایران صحبت از عدم نیاز به صنعت و انرژی هسته ای به میان می آید معنی کار این است که اسرائیل نسبت به عدم توافق مذاکرات ایران و غرب بر سر مسئله انرژی هسته ای نا امید شده است.

موجودیت این صنعت خودش و همه ساز است؟

بله! صرف داشتن ظرفیت هسته ای در هر کشوری سبب تحریک و واکنش رقیبان آن کشور می شود. ما دیدیم که به محض این که آمریکا سلاح هسته ای تولید کرد، شوروی در زندگی ژئوپلیتیکی خود دچار احساس نیاز حیاتی به تولید آن سلاح شد چون خوب می دانست که زندگی در صلح و امنیت با رقیبان ژئوپلیتیکی فقط می تواند در موازنه های ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی تامین شود. یعنی شما نمی توانید از راه خواهش و تمنا حتی تسلیم شدن به رقیب برای خود امنیت درست کنید. در آن وادی شما فقط می توانید با ایجاد موازنه های نظامی و ایجاد ابزار بازدارنده

استراتژیکی صلح و امنیت خود و دیگران را تامین کنید. همه ما با این واقعیت آشنایی داریم که جنگ های بی پایان قدرت های اروپایی فقط در پایان جنگ جهانی دوم هنگامی که تولید سلاح اتمی در کشورهای رقیب صلح و امنیت پایدار نیم قرن دوم قرن بیستم و دهه های آغازین قرن بیستم و یکم را تضمین کرده است. ما به چشم خود دیدیم که به محض دسترسی هندوستان به سلاح هسته ای رقبای ژئوپلیتیکی آن قدرت به دسترسی پاکستان به سلاح هسته ای کمک کرد و دند تا موازنه های استراتژیک میان آن دو قدرت رقیب برقرار شده و صلح و امنیت شبه قاره هند تضمین گردد اما در منطقه خاور میانه حامیان اسرائیل شرایطی را به وجود آورده اند که آن کشور تبدیل به تنها دارنده سلاح هسته ای در میدان رقابت های ژئوپلیتیکی خاور میانه شده و علیرغم کتمان چهل ساله اسرائیل در زمینه داشتن سلاح هسته ای، می کوشند تا این وضعیت عدم توازن ژئواستراتژیکی خاور میانه دوام پیدا کند.

آیا دستاوردهای مادر صنعت هسته ای برای ماقدرت ساز
هم بوده است؟

البته! اگر چه همه کشورهای رو آورنده به صنعت هسته ای این رویکرد را برای تامین منافع اقتصادی توجیه می کنند، ولی واقعیت اجتناب ناپذیر این است که انرژی هسته ای از ابتدای پیدایش جنبه ای کاملاً استراتژیک پیدا کرد و بیشترین کاربرد آن در همان راستای استراتژیک بوده است. در حال حاضر دولت ایران به حق و حقیقت همه تلاش خود را به کار می گیرد تا به جهان ثابت کند که هدفش از توسعه صنعت هسته ای صرفاً به منظور استفاده های صلح آمیز اقتصادی است، ولی رقیبان دور و نزدیک ایران اصرار دارند که باید این صنعت در ایران برچیده شود چون با وجود اینکه ثابت شده این صنعت صرفاً به منظور های اقتصادی تعبیه می شود و توسعه می یابد ولی در ذات خود استعداد تبدیل شدن به وسیله ای برای استفاده استراتژیک را دارد و باید این احتمال از ریشه برکنده شود. به گفته دیگر، با برزمین کوبیده شدن همان اولین کلنگ تاسیسات هسته ای کشور مربوط به جمع صاحبان استعداد استفاده استراتژیک از انرژی هسته ای وارد می شود.

به همین دلیل است که ما شاهد بودیم تاسیس صنعت هسته ای در ایران با راهنمایی، تشویق و کمک ایالات متحده بود، ولی اندکی پس از تاسیس اولین مراحل این صنعت در همان زمان شاه، ایالات متحده آمریکا به دلیل اغواگری های اسرائیل مخالفت با یک صنعت مستقل هسته ای در ایران را آغاز کرد. گذشته از آن، تهران وارد مرحله گسترش حضور نظامی خود در حساس ترین نقاط استراتژیک خاور میانه شد. سفارشات نظامی ایران و تلاش برای کسب تسهیلات پایگاه و یا تاسیس پایگاه های نظامی از کشورهای دیگر منطقه غرب را نسبت به برنامه های آتی ایران مظنون کرد. در همان اوایل پیروزی انقلاب نیز روشنفکران سنتی ایران همیشه گوش به تبلیغات ضد ایرانی دولت های دموکرات ایالات متحده داشتند، پس از پیروزی انقلاب در مقام «دولت موقت» در کمال نارسایی فکری اعلام کردند که چون «ایران دشمن خارجی ندارد»!!!!!! نیازی هم به ارتش و قدرت دفاعی ندارد. آنها با تقلیل تولید نفت تا نصف توان مالی تامین کننده قدرت دفاعی را به نصف تقلیل دادند. همه سفارش های نظامی پول داده شده و پول نداده شده را کنسل کردند. بمب افکن های پیشرفته فانتوم را مرخص کردند و خلاصه این که با از بین بردن توان دفاعی کشور در عمل دعوت نامه سرگشاده ای را برای بعث عراق که از دید آقایان «دشمن خارجی» ایران نبود فرستادند تا بیاورد و ایرانی را در کشور خود به خاک و خون کشد. آنها نه فرصت لازم را پیدا کردند و نه نیازی داشتند که همان هنگام برنامه هسته ای ایران را تعطیل کنند چون ایالات متحده آن هنگام سخت سرگرم خنثی کردن طرف های قرارداد تاسیس صنعت هسته ای کشور بود. ولی از آنجا که موجودیت همان اسکلت صنعت هسته ای بدون غنی سازی هم در دیده رقیب اسرائیلی ایران، در مقام دارنده ظرفیت لازم برای غنی سازی و بالقوه های استفاده استراتژیک دیده می شد، اسرائیل دنیای غرب را واداشت تا از راه تهدید های نظامی